



داوری اردکانی: فلسفه را امروزی کنیم / دوباره به فلسفه اسلامی برگشته ام

رئیس فرهنگستان علوم گفت: فلسفه، چیزی نیست که بگوییم برای دیروز بوده و به گذشته تعلق دارد. فلسفه برای امروز است. ما باید فلسفه را امروزی کنیم و ببینیم چگونه می‌تواند دست ما را بگیرد.

رئیس فرهنگستان علوم گفت: فلسفه، چیزی نیست که بگوییم برای دیروز بوده و به گذشته تعلق دارد. فلسفه برای امروز است. ما باید فلسفه را امروزی کنیم و ببینیم چگونه می‌تواند دست ما را بگیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، دومین سمینار «تاملی بر وضع فلسفه در ایران» صبح امروز به همت گروه تاریخ و تمدن غرب پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

برخی فلسفه را برای تفنن می‌خوانند

رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم به عنوان سخنران ویژه این مراسم گفت: قصد داشتم که در این سخنرانی با توجه به اینکه برگزارکننده مراسم پژوهشکده غرب شناسی است درباره موضوع غرب‌شناسی صحبت کنم، چون یکی از مسائل فلسفی است که باید جایگاهش در فلسفه ما مشخص شود، ولی فکر کردم این موضوع را به دلیل گستردگی و پیچیدگی‌اش، به زمان دیگری محول کنم. آنچه که در فلسفه برای ما مهم است، وجود مسئله است. برخی فلسفه را برای تفنن می‌خوانند. با علمی مثل فیزیک و یا نانو نمی‌توان تفنن کرد اما با فلسفه و مثلاً آثار سارتر می‌توان تفنن کرد.

می‌خواهم رساله کوچکی درباره فلسفه اسلامی بنویسم

وی افزود: بنده در سال‌های اخیر دوباره به فلسفه اسلامی برگشته‌ام البته این برگشتن به معنی جدا شدن از آن نیست و این‌گونه نبوده که من از آن جدا شده و دوباره سراغ آن رفته‌ام و از این جهت هم بسیار خوشحالم و می‌خواهم رساله کوچکی درباره فلسفه اسلامی بنویسم. این از خاصیت فلسفه است که هر بار وارد آن می‌شویم، چیزهای تازه می‌بینیم. وجود همیشه جلوه‌های تازه دارد. من هم در این مراجعه‌ای که مدتی موقتاً تعطیل شده بود، چیزهای تازه‌ای پیدا کردم. مثلاً ذهنم به این موضوع مشغول است که مرحوم طباطبایی گفت در فلسفه برهان لمّی وجود ندارد. حتی برهان اثباتی هم وجود ندارد. (در برهان لمّی، از علت به معلول و در برهان اثباتی از معلول به علت سیر می‌شود)

باید فلسفه را امروزی کنیم

رئیس فرهنگستان علوم ادامه داد: فلسفه، چیزی نیست که بگوییم برای دیروز بوده و به گذشته تعلق دارد. فلسفه برای امروز است. ما باید فلسفه را امروزی کنیم و ببینیم چگونه می‌تواند دست ما را بگیرد. فلسفه، بنیاد خرد مردم را مستحکم می‌کند و ما نباید به آن به عنوان احکام درست و غلط نگاه کنیم، چون همه فلسفه‌ها درست و به همین دلیل هم همیشه هستند. من کانتی نیستم اما باید قبول کرد که غرب جدید و تجدد با کانت زندگی می‌کند. ممکن است کانت را نشناسد اما زندگی غرب، کانتی است. در مورد هگل هم همین‌طور است. همه اینها اساتیدی هستند که نمی‌توان گفت زمانشان گذشته. افلاطون هنوز زنده است و جهان افلاطونی فکر می‌کند.

چهره ماندگار فلسفه اضافه کرد: ما باید تلقی‌مان نسبت به فلسفه را تغییر بدهیم. برخی فلسفه را به دو صورت بهداشتی و غیربهداشتی تقسیم می‌کنند، در حالی که بهداشت جزو اعمال و احتیاط‌های زندگی است و به کار بردن این‌گونه اصطلاحات، کار درستی نیست. باید نگاه دیگری به فلسفه داشته باشیم. فلسفه بهداشتی و غیربهداشتی ندارد و تابع تدبیر عملی نیست. فلسفه همواره در همه جا بوده و بشر همواره تفکر داشته است. ممکن است که قوی و ضعیف شده باشد ولی هیچ گاه پیوندش با بشر قطع نشده، اگر قطع می‌شد ما موجود دیگری می‌شدیم. به بیان دیگر تفکر با ذات تاریخی ما ارتباط دارد.

فلسفه علم رسمی نیست

وی در پایان گفت: فلسفه با جان و وجود ما نسبت دارد و علمی نیست که مثل یک مهارت یا درس حفظ‌کردنی، آن را یاد بگیریم. فلسفه‌ای که به صرف علم باشد، به هیچ دردی نمی‌خورد. افلاطون و ارسطو بنایی گذاشتند که مقدمات انقراض مدینه یونانی را فراهم کردند. به بیان دیگر سقراط در زمانه خودش با فلسفه ساختارشکنی کرد. به قول مولانا، فلسفه می‌تواند آتش

باشد و ویرانگری کند. نکته مهم این است که در عین ویرانگری، می‌تواند بنیانگذار هم باشد. افلاطون و ارسطو هم بنیانگذاری کردند. اگرچه ۲۰۰۰ سال طول کشید تا نتایج این بنیانگذاری معلوم شود. درست است که فلسفه علم رسمی نیست، ولی باید علم رسمی‌اش را هم بیاموزیم.